

# اعمال شهدای مسیحی ایران در عصر ساسانی: کارنامه شهدای کرخا ذِ بیت سلوک

سجاد امیری<sup>۱</sup>

## چکیده

مجموعهٔ متون موسوم به «اعمال شهدای مسیحی ایران» از جمله منابع مکتوب مهم برای بازسازی تاریخ ایران در عصر ساسانی است؛ به گونه‌ای که پاره‌ای از داده‌های تاریخی که از این متون به دست می‌آید منحصر به فرد است و در منابع دیگری به آنها اشاره نشده است. اما در قیاس با سایر منابع کلاسیک تاریخ ساسانیان کمتر به این متون توجه شده است. از این رو شناخت پژوهش‌هایی که تا به امروز بر روی این منابع انجام شده است در کنار ارائه ترجمه‌های تازه و علمی، با هدف بیرون کشیدن داده‌های تاریخی موجود در این متون برای کمک به شناخت ما از دوران ساسانی امری ضروری است. بخش نخست این مقاله به بررسی سابقهٔ پژوهش‌های علمی که تاکنون بر روی این منابع انجام شده است اختصاص یافته است و در بخش دوم، متن کوتاه سریانی «فهرست شهدای کرخا ذِ بیت سلوک» بررسی و ترجمه‌ای از متن سریانی آن به فارسی ارائه می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** تاریخ ساسانیان، متن سریانی، کرخا ذِ بیت سلوک

## ۱- مقدمه

اعمال شهیدان (مسیحی) ایران، به دسته‌ای از متون اطلاق می‌شود که در زمان‌های گوناگون و به زبان‌های مختلف به نگارش درآمده است. در این متون شرح شکنجه‌ها و کشتار مسیحیان در قلمرو دولت ساسانی آمده است. هرچند که این متون در اصل جهت بیان تعالیم اخلاقی و مطالب عبرت‌آمیز مذهبی نوشته شده‌اند، در درون خود گنجینه‌ای از داده‌های تاریخی جهت بازسازی دوران ساسانی را نهفته دارند که گهگاه در هیچ یک از منابع مکتوب دیگر به دست نمی‌آیند. این متون علاوه بر آنکه در شناخت جهت‌گیری دولت ساسانی در قبال مسیحیان قلمرو خود حائز اهمیت است، از سویی دیگر در برگیرندهٔ شمار زیادی از نام جای‌ها و اسامی کارگزاران بلند پایه دولت ساسانی است که در مطالعات امروزی در زمینه تاریخ ساسانی بسیار مورد توجه است. اهمیت این منابع برای مطالعات دوران ساسانی به گونه‌ای

---

<sup>۱</sup> - پژوهشگر در زمینهٔ مطالعات سریانی [sajad\\_amiribp@yahoo.com](mailto:sajad_amiribp@yahoo.com)

است که بسیار پیش از این، نولدکه<sup>۱</sup> (۱۸۷۹: ۶۸) عدم استفاده از این منابع را غیر قابل بخشایش خوانده است. با وجود آن که مدت زمان طولانی از معرفی این متون در آثار مستشرقان و آباء کلیسای گذشته است، این منابع در قیاس با سایر منابع مکتوب کلاسیک اواخر عهد باستان کمتر شناخته شده‌اند. یکی از دلایل آن پراکندگی پژوهش‌هایی است که بر روی این منابع انجام شده است. از این رو مروری بر سابقه مطالعات انجام شده بر روی شهادتنامه‌های مسیحیان ایران در عهد ساسانی ضروری می‌نماید.

## ۲- پیشینه مطالعات

نخستین بار در سال ۱۷۴۸ میلادی، استفانوس السّمعی<sup>۲</sup> با انتشار کتاب «اعمال شهدای مقدس شرقی و غربی»<sup>۳</sup> در دو جلد، مجموعه‌ای از روایات مربوط به شهادت مسیحیان به زبان سریانی را گرد آورد که در میان آنها ۲۲ داستان مربوط به شهدای مسیحی ایران در عهد شاپور دوم ساسانی وجود داشت.<sup>۴</sup> اعمال شهدای ایرانی در کتاب السّمعی، بر اساس دو نسخه خطی سریانی Vat.Syr 161 و Vat.Syr 160، متعلق به کتابخانه واتیکان، ویرایش شده بود. این نسخ خطی سریانی را السّمعی خود در سفرهای خاورمیانه طی سال‌های ۱۷۱۵ الی ۱۷۱۷ میلادی خریداری و به واتیکان آورده بود. با وجود این، روایاتی که السّمعی در کتاب خود از این دو دست‌نویس منتشر کرد شامل تمام روایات موجود نبود و پاره‌ای از این شهادتنامه‌ها منتشر نشده باقی ماند. در سال‌های ۱۷۵۶ تا ۱۷۵۹ میلادی، استفانوس السّمعی به همراه سیمون السّمعی<sup>۵</sup> مجموعه‌ای تحت عنوان «کاتالوگ کتاب‌شناختی مجموعه نسخ خطی واتیکان پاپی»<sup>۶</sup> را منتشر و نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه واتیکان را در این مجموعه معرفی کردند. فهرست روایات موجود در دو دست‌نویس سریانی واتیکان ۱۶۰ و ۱۶۱، در جلد دوم این مجموعه آورده شده است که شامل عناوین برخی از مهم‌ترین شهادتنامه‌های مسیحیان ایران در عهد ساسانی به زبان سریانی است.<sup>۷</sup> پس از السّمعی، بیش از یک قرن طول کشید تا باری دیگر پژوهشی در زمینه متون سریانی اعمال شهدای مسیحی ایران صورت گیرد.

در سال ۱۸۸۰ میلادی، گئورگ هوفمان<sup>۸</sup>، اثر خود را با عنوان «گزیده اعمال سریانی شهدای ایرانی»<sup>۹</sup> چاپ کرد. این کتاب ترجمه آلمانی خلاصه‌ای از ۱۵ شهادتنامه مسیحیان ایران، از زمان شاپور دوم تا عهد خسرو دوم به همراه تعلیقات مفید بود. در طی سال‌های ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۱ میلادی، تعدادی از

<sup>۱</sup>- Nöldeke, T.

<sup>۲</sup>- Stephanus Evodius Assemani

<sup>۳</sup>- *Acta Sanctorum Martyrum Orientalium et Occidentalium*

<sup>۴</sup>- تنها دو شهادتنامه یعقوب و مهرشاپور در این مجموعه مربوط به دوران سلطنت بهرام پنجم است.

<sup>۵</sup>- Joseph Simon Assemani.

<sup>۶</sup>- *Bibliothecae Apostolicae Vaticanae Codicum Manuscriptorum Catalogus*.

<sup>۷</sup>- همچنین برای دیدن فهرست جامعی از عناوین شهدای ایرانی و (غیرایرانی) به پیترز (۱۹۱۰) رجوع کنید.

<sup>۸</sup>- Hoffmann, G.

<sup>۹</sup>- *Auszüge aus syrischen Aktenpersischer Märtyrer*.

شهادتنامه‌های سریانی مسیحیان ایران، به همراه ترجمه‌های لاتین در مجموعه «آنالکتا بولاندیانا»<sup>۱</sup> به چاپ رسید.<sup>۲</sup> تا اینکه پائول بجان<sup>۳</sup> از سال ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۷ میلادی، اثر عظیم خود را تحت عنوان «اعمال» «اعمال شهیدان و قدیسان»، در هفت جلد به چاپ رساند.<sup>۴</sup> وی مجموعه‌ای از مهم‌ترین شهادتنامه‌های سریانی شرقی و غربی را بدون ترجمه، ویرایش و تصحیح نمود که تا به امروز نیز معتبرترین ویرایش از این متون به شمار می‌رود. در مجموع ۵۷ داستان از شهیدان مسیحی ایران در جلد‌های دوم و چهارم این اثر به زبان سریانی در بازه زمانی از عهد شاپور دوم تا یزدگرد دوم ساسانی ارائه شده است.<sup>۵</sup> اگر چه بجان در ویرایش خود از اثر السّمعی نیز بهره گرفته بود، در مجموعه خود از نسخ خطی کتابخانه بریتانیا و دستنویس‌های تازه به دست آمده از خاورمیانه نیز به شکل عمده‌ای استفاده نمود و توانست روایاتی را که تا آن زمان ناشناخته بودند معرفی کند.<sup>۶</sup> شاپو<sup>۷</sup> نیز در دهه پایانی قرن نوزدهم دو شهادتنامه مهم سریانی از مسیحیان ایران را معرفی کرد. وی ابتدا در سال ۱۸۹۳ میلادی متن سریانی شهادتنامه «باسوس و سوزان» را به همراه ترجمه فرانسوی آن منتشر<sup>۸</sup> و سپس در سال ۱۸۹۷ میلادی متن سریانی سریانی شهادتنامه «یشوع سبران» را به همراه خلاصه‌ای به زبان فرانسه ارائه کرد.<sup>۹</sup> در سال‌های ۱۹۰۰ و ۱۹۰۶ میلادی ادی شیر، اسقف سیمرت<sup>۱۰</sup>، ترجمه عربی بسیاری از روایات موجود در اثر بجان، که در ارتباط با شهدای ایران بود در ۲ جلد به چاپ رساند.<sup>۱۱</sup> با این وجود ترجمه‌های وی چندان قابل اعتماد نیست و در پژوهش‌های علمی نمی‌توان به آنها استناد کرد.<sup>۱۲</sup> در سوی دیگر ترجمه‌هایی که براون<sup>۱۳</sup> در

<sup>۱</sup> - Analecta Bollandiana; (= AB).

<sup>۲</sup> - Acts of Mar Mari: *Actasanti Maris, Assyriae, Babyloniae ac Persidis seculo I apostoli, aramaice et latine*, AB 4. The Acts of Abdal-Masih: *Acta S. Mar Abdu'l Masicharamaice et latine*, AB 5. Acts of Mar Qardagh: *Acta MarKardaghi Assyriae praefecti*, AB 9.

<sup>۳</sup> - Bedjan, P.

<sup>۴</sup> - *Acta Martyrum et Sanctorum*; (=AMS).

<sup>۵</sup> - برای آگاهی از فهرست روایات موجود در جلد‌های دوم و چهارم اثر بجان به براک (۲۰۰۸: ۸۵-۸۶) رجوع کنید.

<sup>۶</sup> - از جمله این نسخ خطی می‌توان نسخه‌های زیر را نام برد:

*British Library. Add. 7,200 & Berlin Or. Oct. 1256 & Berlin Or. Oct. 1257 & Dijarb. 96.*

<sup>۷</sup> - Jean-Baptiste Chabot .

<sup>۸</sup> - *La légende de Mar Bassus: martyr persan, suivie de l'histoire de la fondation de son convent à Apamee.*

<sup>۹</sup> - *Histoire de Jésus-Sabran écrite par Jésus-Yab D'Adiabène.*

همچنین برای اطلاعات بیشتر درباره این شهادتنامه به فلورنس ژولین (۲۰۰۴) رجوع کنید.

<sup>۱۰</sup> - شهری واقع در جنوب شرقی ترکیه امروزی.

<sup>۱۱</sup> - *سیره اشهر شهداء المشرق القدیسین.*

<sup>۱۲</sup> - متن ترجمه عربی در بسیاری از موارد نسبت به اصل سریانی افتادگی‌هایی به دلخواه مترجم دارد و مابقی ترجمه نیز به

متن سریانی چندان وفادار نیست. همچنین برای عدم صلاحیت علمی ترجمه‌های ارائه شده توسط ادی شیر به هراک (۲۰۰۵:

xiii) رجوع کنید.

<sup>۱۳</sup> - Braun, O.

سال ۱۹۱۵ میلادی از تعدادی از مهم‌ترین شهادتنامه‌های سریانی مسیحیان ایران در اثر خود به نام «گزیده اعمال شهدای ایرانی»<sup>۱</sup> به زبان آلمانی انجام داد، همچنان از ماندگارترین پژوهش‌هایی است که در زمینه ترجمه این متون صورت گرفته است. پس از براون سال‌ها طول کشید تا بار دیگر پژوهشی در خور بر روی متون سریانی اعمال شهیدان مسیحی ایران انجام شود. دوس<sup>۲</sup> در سال ۱۹۵۳ میلادی متن سریانی شهادتنامه یعقوب را به همراه ترجمه لاتین<sup>۳</sup> و سپس در سال ۱۹۶۵ میلادی، ترجمه فرانسوی شهادتنامه نرسی را در مجموعه آنالکتا به چاپ رساند.<sup>۴</sup> یکی از درخشان‌ترین پژوهش‌ها در زمینه شهادتنامه‌های سریانی مسیحیان ایران، توسط وایزner<sup>۵</sup> در سال ۱۹۶۷ میلادی به چاپ رسید.<sup>۶</sup>

وایزner در این پژوهش که رساله دکتری وی بود، اگرچه ترجمه‌ای از این متون به دست نمی‌دهد، به شکلی دقیق به تجزیه و تحلیل این منابع پرداخته است، به گونه‌ای که مطالعه اثر وی برای شناخت بهتر از شهادتنامه‌های سریانی متعلق به دوران شاپور دوم ضروری می‌نماید.<sup>۷</sup> سباستین براک<sup>۸</sup> در سال ۱۹۷۸ میلادی ترجمه انگلیسی از شهادتنامه کاندیدا را ارائه کرد.<sup>۹</sup> این شهادتنامه از آن جهت که مربوط به یکی از نخستین شهدای مسیحی ایران است و شرح شهادت وی بعدها به نگارش درآمد حائز اهمیت است. در سال ۱۹۸۵ میلادی ترجمه عربی تعدادی از شهادتنامه‌های مسیحیان ایران توسط آلبر ابونا منتشر شد، اما از آنجایی که بخش‌های زیادی از متون به دلخواه مترجم حذف شده است، چندان قابل استناد نیست. براک و هاروی<sup>۱۰</sup>، در سال ۱۹۸۷ میلادی گلچینی از شهادتنامه‌های زنان مسیحی ایران را به همراه ترجمه انگلیسی از متن سریانی، در فصل سوم کتاب خود با عنوان «زنان مقدس شرقی سریانی»<sup>۱۱</sup> منتشر کردند. در دهه اول قرن بیست و یک، تعدادی از پژوهش‌های معتبر در زمینه ترجمه متون سریانی شهادتنامه‌های مسیحیان ایران به چاپ رسید. در سال ۲۰۰۶ میلادی، والکر<sup>۱۲</sup> ترجمه انگلیسی از متن سریانی شهادتنامه مارقرداغ را به همراه تعلیقاتی مفید به طبع رساند.<sup>۱۳</sup>

<sup>۱</sup>- Ausgewählte Akten persischer Märtyrer. Mit einem Anhang: Ostsyrisches Mönchsleben.

<sup>۲</sup>- Devos, P.

<sup>۳</sup> Le dossier hagiographique de S. Jacques l'Intercis.

<sup>۴</sup>- Abgar hagiographe perse méconnu (début du Ve siècle).

<sup>۵</sup>- Wiessner, G.

<sup>۶</sup>- *Untersuchungen zur syrischen Literaturgeschichte. I. Zur Märtyrerüberlieferung aus der Christenverfolgung Schapurs II*

<sup>۷</sup>- نگاه کنید به نقدی که براک(۱۹۶۸) بر این کتاب نوشته است.

<sup>۸</sup>- Brock, S.P.

<sup>۹</sup>- A martyr at the Sasanid court under Vahran II: Candida.

<sup>۱۰</sup>- Susan Ashbrook Harvey.

<sup>۱۱</sup>- *Holy Women of the Syrian Orient*.

<sup>۱۲</sup>- Walker, J.T.

<sup>۱۳</sup>- *The Legend of Mar Qardagh: Narrative and Christian Heroism in Late Antique Iraq*.

از سال ۲۰۰۸ میلادی، مجموعه‌ای تحت عنوان «*اعمال سریانی شهدای ایرانی: متن و ترجمه*»<sup>۱</sup> در انتشارات گرجیاس<sup>۲</sup> شکل گرفت که هدف آن ارائه ترجمه‌هایی معتبر از شهادتنامه‌های سریانی مسیحیان مسیحیان ایران است. اولین جلد این مجموعه را براک با ترجمه شهادتنامه مارمعین به انگلیسی به چاپ رساند.<sup>۳</sup> در ضمیمه این کتاب اطلاعات بسیار مفیدی درباره شهادتنامه‌های مسیحیان ایران به زبان سریانی و سایر زبان‌ها ارائه شده است. جلد دوم و اخیر این مجموعه نیز با ترجمه انگلیسی شهادتنامه مار پینحاس توسط مک کولوم<sup>۴</sup> در سال ۲۰۱۳ میلادی به چاپ رسیده است.<sup>۵</sup>

در کنار آثار منتشر شده اخیر، باید به شکلی ویژه از پژوهش‌های کریستل ژولین<sup>۶</sup> در زمینه شهادتنامه‌های سریانی مسیحیان ایران یاد کرد. مهم‌ترین ویژگی پژوهش‌های او، استخراج، تفسیر و تحلیل داده‌های تاریخی و جغرافیایی در این متون است که در آثار پیش از این کمتر به آن توجه شده بود. اما اعمال شهدای مسیحی ایران در عصر ساسانی تنها در روایات سریانی یافت نمی‌شود. مجموعه‌ای مهم از این دست متون در نوشته‌های یونانی نیز وجود دارد. برجسته‌ترین شهادتنامه‌های مسیحیان ایران به زبان یونانی در کتاب «*تاریخ کلیسایی*» اثر سوزومنوس<sup>۷</sup> و مجموعه متون گردآوری شده موسوم به «*اعمال قدیسان*»<sup>۸</sup> یافت می‌شود. همچنین دلپایه<sup>۹</sup> در سال ۱۹۰۵ میلادی روایات پراکنده یونانی درباره شهدای مسیحی ایران را در اثر خود به نام «*نسخه‌های یونانی از اعمال شهدای ایران در زمان شاپور دوم*»<sup>۱۰</sup>، به همراه متن ویرایش شده یونانی و ترجمه لاتین گردآورد که برای شناخت روایات یونانی از شهدای مسیحی ایران بسیار حائز اهمیت است. گروهی دیگر از شهادتنامه‌های مسیحیان ایران در عصر ساسانی را می‌توان از خلال متون ارمنی بازشناخت. پیترز<sup>۱۱</sup> (۱۹۰۹) و گرای<sup>۱۲</sup> (۱۹۴۹) مهم‌ترین متون ارمنی را معرفی کرده‌اند. همچنین روایتی گرجی با نام «*شهادتنامه اوستاس مستخیایی*» از دوران خسرو اول در دست است که باید در این گروه طبقه‌بندی شود.<sup>۱۳</sup> در نهایت باید از شهادتنامه‌های

<sup>۱</sup> - *Persian Martyr Acts in Syriac: Text and Translation*

<sup>۲</sup> - Gorgias Press

<sup>۳</sup> - *History of the Holy Mar Ma'in with a Guide to the Persian Martyr Acts*

<sup>۴</sup> - Adam McCollum.

<sup>۵</sup> - *The Story of Mar Pinhas.*

<sup>۶</sup> - Christelle Jullien.

<sup>۷</sup> - Salaminus Hermias Sozomenus.

<sup>۸</sup> - Acta Sanctorum.

<sup>۹</sup> - برای دیدن شهادتنامه‌های مسیحیان ایرانی در این مجموعه رجوع کنید به: دلپایه (۱۹۰۲).

<sup>۱۰</sup> - Hippolyte Delehaye.

<sup>۱۱</sup> - *Les Aersions Crecques Des Actes Ded Mauiviis Persans Sous Sapor II.*

<sup>۱۲</sup> - Paul Peeters.

<sup>۱۳</sup> - Louis Gray.

<sup>۱۴</sup> - برای ترجمه آلمانی این شهادتنامه از متن گرجی رجوع کنید به: یاواخیشویلی و فن هرنگ (۱۹۰۱). همچنین باید از یک شهادتنامه دیگر تحت عنوان شهادتنامه گلیندوش به زبان گرجی نام برد که اصل آن امروزه از بین رفته است و از خلال متون دیگر قابل بازسازی است. برای توضیحات بیشتر درخصوص شهادتنامه گلیندوش نگاه کنید به: پیترز (۱۹۴۴).

مسیحیان ایران به زبان سغدی نام برد. کاوش‌های باستان‌شناسان آلمانی در ناحیه تورفان ترکستان چین طی سال‌های ۱۹۰۲ الی ۱۹۱۴ میلادی منجر به کشف بیش از چهل هزار دست‌نویس به زبان‌ها و رسم الخط‌های گوناگون شد (سیمز-ویلیامز<sup>۱</sup> و دیکنز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). در این میان، دست‌نویس‌های مکشوفه از صومعه‌ای ویران واقع در بویلاق، در ۱۰ کیلومتری شمال تورفان، گنجینه‌ای از متون مسیحی را که عمدتاً به زبان سغدی و رسم الخط سریانی به نگارش درآمده بودند آشکار ساخت (همان). از میان این متون آنچه برای ما اهمیت دارد، دستنویسی است که تحت عنوان C2 شناخته می‌شود. این دستنویس را ابتدا هانسن<sup>۳</sup> (۱۹۵۴) ویرایش نمود و سپس سیمز-ویلیامز در سال ۱۹۸۵ میلادی آن را از نو ویرایش و به همراه ترجمه انگلیسی به چاپ رساند. این دستنویس شامل ۱۴ متن با موضوعات گوناگون در خصوص دین مسیحیت است که یکی از آنها متشکل از ۴ شهادتنامه مسیحیان ایران در عهد شاپور دوم است.<sup>۴</sup> سیمز-ویلیامز علاوه بر ارائه ترجمه، مقایسه میان متن و دست‌نویس‌های سریانی را انجام داده است (سیمز-ویلیامز، ۱۹۸۵: ۱۳۷-۱۳۹).

### ۳- کارنامه سریانی شهدای کرخا ذ بیت سلوک

شهر کرخا ذ بیت سلوک از بزرگ‌ترین و کهن‌ترین شهرهای سرزمین گرمیکان<sup>۵</sup> به شمار می‌رفته است. منابع سریانی سابقهٔ احداث این شهر را به عهد آشوریان نسبت می‌دهند.<sup>۶</sup> این شهر در کنار شهرهای دیگری همچون اربلا و نصیبین، از کانون‌های مهم جمعیت مسیحی قلمرو دولت ساسانی در شمال

<sup>۱</sup> - Sims-Williams, N.

<sup>۲</sup> - Dickens, M.

<sup>۳</sup> - Hansen, O.

<sup>۴</sup> - این روایات سغدی شامل شهادتنامه‌های شاه دوست، تاربو، ۱۲۰ شهید و با رباشمین است، همچنین شهادتنامهٔ آذرهرمزد و آناهید را نیز باید به این فهرست اضافه نمود. برای ترجمهٔ انگلیسی این متون نگاه کنید به: سیمز-ویلیامز (۱۹۸۵: ۱۳۷-۱۵۳). همچنین روایت سغدی داستان آذرهرمزد و آناهید به فارسی نیز برگردانده شده است (زرشناس، ۱۳۸۹: ۱۱۲-۱۱۸).

<sup>۵</sup> - در متون سریانی بیت گرمی؛ بنا بر رویدادنگار کرخا ذ بیت سلوک این سرزمین در روزگار آشوریان یک شاهک‌نشین کوچک بوده است (AMS II, 508). موقعیت جغرافیایی این منطقه واقع در شمال شرقی کشور عراق امروزی است. مرزهای شمالی این سرزمین محدود به رودخانهٔ زاب کوچک و کوهستان‌های شهرزور و حد جنوبی آن نیز کوهستان‌های هم‌رین بوده است. همچنین رودخانهٔ دجلهٔ مرزهای غربی آن را تشکیل می‌داده است (هوفمان، ۱۸۸۰: ۲۸۳). برای دیدن نقشهٔ جغرافیای تاریخی بیت گرمی رجوع کنید به: مورونی (۱۹۸۲). همچنین برای ریشه‌شناسی نام گرمیکان نگاه کنید به: همو (۱۹۸۹ b). از سویی دیگر سرزمین بیت گرمی یک مطران نشین نسطوری بوده است از این روی در منابع سریانی به کرات از آن یاد شده است. همچنین از این سرزمین در کتیبه نرسی در پایکولی نیز نام برده شده است.

<sup>۶</sup> - بنا بر متن سریانی رویدادنامه کرخا ذ بیت سلوک (AMS II, 508)، این شهر به دست پادشاه آشوری به نام ساردون (در جای دیگر متن سارگون) احداث شده است. پیگولوسکایا معتقد است که نویسنده این متن به جهت مهم جلوه دادن شهر خود، بنای آن را به روزگار شاهان آشور پیوند داده است (پیگولوسکایا، ۱۹۶۴: ۵۷). با وجود این، هرچند که ما تاریخ دقیقی از زمان احداث این شهر در دست نداریم، اما به احتمال فراوان تاریخچه بنای شهر به پیش از روزگار سلوکیان می‌رسد (همان).

بین‌النهرین به شمار می‌رفته است.<sup>۱</sup> بر پایه منابع سریانی سابقه ورود مسیحیت به این ناحیه برابر است با فعالیت‌های تبلیغی مارماری در پایان قرن اول میلادی (هراک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۲۷). بر اساس همین منابع، تا پیش از ورود مسیحیت به «سرزمین» گرمیکان، «ظلمت و راه و رسم خطا» در این ناحیه رواج داشته است (همان). از سویی دیگر به واسطه اقدامات مبلغ مانوی، ادا<sup>۳</sup>، شهر کرخا ذبیت سلوک دارای جمعیت قابل ملاحظه‌ای از مانویان در عصر ساسانی بوده است.<sup>۴</sup> عمده‌ترین اطلاعات ما از اوضاع شهر کرخا ذبیت سلوک و ایالت گرمیکان در عصر ساسانی از خلال متون سریانی به دست می‌آید که توسط نویسندگان مسیحی به نگارش در آمده‌اند. این متون فارغ از جنبه‌های مذهبی خود در بازسازی تاریخ و جغرافیای تاریخی منطقه بسیار مفیداند. چندین متن سریانی که اختصاصاً به شرح حوادث شهر کرخا ذبیت سلوک و ایالت گرمیکان می‌پردازند تا به امروز به جای مانده‌اند که به قرار زیر است:

- وقایع‌نامه کرخا ذبیت سلوک (AMS II, 507-535)

- فهرست شهیدان کرخا ذبیت سلوک (AMS II, 286-289)

- شهادتنامه نرسی و یوسف (AMS II, 284-286)

- شهادتنامه شاپور بیت نیکاتوری و اسحاق اسقف کرخا ذبیت سلوک (AMS II, 51-56)

- شهادتنامه شهدای بیت گرمی (AMS IV, 184-188)

«فهرست شهدای کرخا ذبیت سلوک»، عنوانی است که به فهرستی کوتاه از کشته شدگان مسیحی کرخا ذبیت سلوک در زمان شاپور دوم ساسانی اطلاق می‌شود. این متن سریانی از طریق دو نسخه خطی Vat.160 و Dijarb.96 امروز به دست ما رسیده است. متن این شهادتنامه در نسخه خطی واتیکان به شکلی بلافصل در ادامه شهادتنامه نرسی و یوسف آمده است، اما در نسخه Dijarb.96 این متن با عنوانی جداگانه، از شهادتنامه نرسی و یوسف جدا شده است. از نویسنده و زمان نگارش این متن نشانی در دست نیست. السّمعی متن سریانی این شهادتنامه را براساس نسخه دستنویس واتیکان در جلد اول «اعمال شهدای مقدس»، به همراه ترجمه‌ای به زبان لاتین منتشر ساخت. وی به تبعیت از نسخه خطی، این متن را ذیل عنوان شهادتنامه نرسی و یوسف آورده است (السّمعی، ۱۷۴۸: ۹۹-۱۰۱). بجان نیز متن سریانی این شهادتنامه را بر اساس نسخه خطی Dijarb.96 و مقایسه آن با نسخه واتیکان به شکلی جدا از شهادتنامه نرسی و یوسف در جلد دوم اعمال شهیدان و قدیسان به طبع رساند (۲۸۶-۲۸۹).

<sup>۱</sup> - برای بررسی کانون‌های مهم مسیحی‌نشین قلمرو دولت ساسانی نگاه کنید به: آسموسن (۱۹۸۳).

<sup>۲</sup> - Amir Harrak.

<sup>۳</sup> - متن سریانی اعمال مار ماری شرحی بر فعالیت‌های دینی وی در ناحیه بیت گرمی به دست می‌دهد.

<sup>۴</sup> - 'atira:ḥiḥar' به معنای سرزمین، کشور، ناحیه.

<sup>۵</sup> - از یاران نزدیک مانی که بین سال‌های ۲۴۴ تا ۲۶۱ م. در قلمروی رومیان و نواحی غربی دولت ساسانی به تبلیغ آیین مانوی مشغول بوده است. برای اطلاعات بیشتر درباره او به زوندرمان (۱۹۸۳) رجوع کنید.

<sup>۶</sup> - لئو (۱۹۹۹: ۳۴) به شکل مفیدی به مانویان کرخا ذبیت سلوک پرداخته است؛ همچنین در این خصوص نگاه کنید به: مورونی (۱۹۸۹: a).





ب ۲) حرف نویسی:

*Twb kwnš' d shd' d Krk' d byt slwk*

[ ۱ ] *ywhnn 'psqwp' d krk'bytswlk 'qtł b hşyn qryt' b pwqdn' d 'rdşyr mlk' d hdyb*

[ ۲ ] *şbwr 'psqwp' d krk' d byt slwk myt b mhwt' byt 'syr' w 'mr hw hn' mlk' d hdyb pswqw rşh w 'ytw ly 'hzywhy młl d l' hymn 'nwn w psqw rşh w 'ytywhwyw lh*

[ ۳ ] *'yşhq 'psqwp' d krk' d byt slwk 'trgm b k'p' b nyqłwr 'wn' mn 'ydy bny h'r' d krk' d mtqryn hww bşm' krstyn' d 'lyş 'ywn mlk' d hdyb*

[ ۴ ] *'yşhq qşyş' d hwlwr qryt' 'trgm b k'p' lbr mn krk' d byt slwk b pwqdn' d 'drgwşnsp mwhpt'*

[ ۵ ] *pp' qşyş' d hlmyn qryt' 'tqł b gl qryt' b pwqdn' d mlk' d hdyb*

[ ۶ ] *'whnm łln' brqym' 'trgm b k'p' b gnzk qryt' mn 'ydy h'rt' d krk' d byt slwk d mtqryn hwy bşm' krstynyt' d 'lyş 'nyn mlk' d hdyb w hw hn' łly' shd' mnw hw' d krk'*

[ ۷ ] *gwhšt'zd mhymn' mn krk' hw' d byt slwk w btr'' q'm hw' d mlk' d hdyb w 'sy rhw' tmn hđ d šmh hw' wrtrn d mtqr' hw' bşm' qşyş' d bslwqn' qryt' w kd 't'łş 'trpy mn šrrh w npl mn hymnwth w pqd mlk' d hdyb d hwhn' nptlywhy l gwhšt'zd 'l dl' 'bd şbyn' w sgd l šmš' w kd 't' 'lwhy hw hn' wrtrn d nqłlywhy twh l qwblh łwbn' gwhšt'zd w 'mr : qşyş' 'nt qłl 'nt ly w btrkn 'ttwy w 'mrlh : 's'lt d qrytk qşyş' 'l' 'tqrb w 'bd şbynk l' 'kšrt b khnwtk 'yk yhw'd' b šlyhwth yd' 'n' gyr d sšn' ml' b lbk l m'bd nhyhwqłlh mrh' y't d l' bhtt'*

[ ۸ ] *ssn br 'lm' zrwn br 'lm' nwh br 'lm' tymy br 'lm' mn lşwm qwryt mdyn' 't'srw b ššlt' w 'wblw 'nwn l byt hwzy' w tmn 'tqłlw b pwqdn' d şbwr mlk' młl hymnw't' šryrt' d b yşw' mşyh'*

[ ۹ ] *b'wt' 'ntt' rbt' brt 'lm' mn krk' d by tsłwk 'tqłł lwqbl byrth b pwqdn' d 'drgwşnsp mwhpt'*

[ ۱۰ ] *tqł' brt qym' w dnq brt qym' mn krk' d byt slwk 'tqłlyn b pwqdn' d 'drgwşnsp mwhpt' łłwn brt qym' mm' brt qym' mzky' brt qym' 'n' brt qym' mn krk' d byt slwk 'tqłlyn l br mn krk' b dwkt' d šmh hwr' b pwqdn' d mwhpt' d krk' w y't b dmhyntt' w hwt l hnn' w l'sywt' šny' sgy't' w b hsm' mnyny' łm'' 'qrwh w 'štdrt 'lyhwn rwh 'ry' w srht 'nwn w 'wdywdyn d młlmn' hw' lhwn w 'thzyt b hwn trmwrt' rbt'*

[ ۱۱ ] 'byt brt qym' mn 'tr' d byt grmy hty brt qym' mn 'tr' d byt grmy  
mzky' brt qym' mn 'tr' d byt grmy 'tq̄t̄lyn b pwq̄dn' šbwr mlk' kd bh  
hw' b'tr'

[ ۱۲ ] 'l hlyn dyn hkn' ktbn 'yk d tš'yt ' yhbty 'yd'

### ب ۳) ترجمه فارسی:

[۱] یوحنا، اسقف<sup>۱</sup> کرخا ذ بیت سلوک<sup>۲</sup>، به فرمان اردشیر<sup>۳</sup>، شاه آدیابنه<sup>۴</sup> در روستای حصین<sup>۵</sup> کشته شد.

<sup>۱</sup> - برای آگاهی از اسقف‌نشین‌های قلمرو دولت ساسانی رجوع کنید به: شابو (۱۹۰۲).

<sup>۲</sup> - واژه کرخا (ܟܪܚܐ) در سریانی دژ، قلعه و همچنین شهر معنا می‌دهد (سوکولوف، ۲۰۰۹: ۶۵۴) و نام کرخا ذ بیت سلوک را می‌توان دژ خانه سلوکوس معنا کرد. این شهر یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهرهای سرزمین بیت گرمی در کنار شهر «شهرکرت» به شمار می‌رفته است. بنابر وقایع‌نامه اربلا حاکم این شهر در قیام ارشیر بابکان بر علیه پارتیان از حامیان وی بوده است (مورونی، ۱۹۸۹: a). با وجود اهمیتی که شهر کرخا ذ بیت سلوک در ایالت (واژه ایالت در اینجا برای صورت پهلوی *štr* به کاربرده شده است. برای این برابری رجوع کنید به گیزلن، ۱۹۸۹: ۴۹) بیت گرمی داشته است اما به نظر می‌رسد در اوایل دوره ساسانی شهر «شهرکرت» از موقعیت برتری نسبت به کرخا ذ بیت سلوک برخوردار بوده است. موقعیت دقیق شهر کرت نامشخص است، اما ظاهراً در سمت شرقی کرخا ذ بیت سلوک و برجانب رود دجله قرار داشته است (هراک، ۲۰۰۵: ۲۷). بنابر کارنامه سریانی مارماری، شهرکرت (*šhqyrt : ܫܗܩܝܪܬ*) در روزگار پیش از ساسانیان یک شاه‌نشین بوده است (همان: ۲۶). از سویی کتیبه شاپور برکعبه زردشت از دژبند شهرکرت (*hštrkr̄t dyzpty*) نام می‌برد (ŠKZ, Parthian, line 26). همچنین از طریق شهادتنامه سریانی نرسی و یعقوب می‌دانیم که شاپور دوم در سفر خود به بیت گرمی به سال ۳۴۸ میلادی در شهرکرت اقامت کرده است (نک: صفحه ۱۸ پانویس 6). در این دوران، ظاهراً تمامی ایالت بیت گرمی از نظر اداری زیر نظر شاه‌نشین آدیابنه بوده است (نک: پانویس ۴ در همین صفحه).

<sup>۳</sup> - *rdšyr* این نام در منابع سریانی به اشکال *rtšyr* و *rtšhr* نیز آورده شده است. نگاه کنید به ژینیو و دیگران (۲۰۰۹: ۱۲۵-۱۲۶). با وجود آنکه هیچ مدرک قطعی در دست نیست، اما به احتمال فراوان این اردشیر همان اردشیر دوم است که پس از شاپور بر تخت سلطنت نشست. او به تناوب در کارنامه‌های شهیدان مسیحی زمان شاپور دوم ظاهر می‌شود و این متن یکی از اولین اشارات به او است که نولدکه آن را به تاریخ ۳۴۴ میلادی می‌داند و با توجه به متون سریانی کارنامه شهدای مسیحی او حداقل تا سال ۳۷۶ میلادی در این مقام بوده است (نولدکه، ۱۸۷۹: ۷۰).

<sup>۴</sup> - درمنابع سریانی: جذیب *hdyb* و در فارسی میانه با عنوان نودشیرکان *nwhštšrkn*; در پارتی *ntwšrkn* و در یونانی به صورت آدیابنه *αδιαβηνης*; همچنین این نام در گل مهرهای اداری دوره ساسانی به صورت *nwt'rtštrk'n* دیده می‌شود (گیزلن، ۲۰۰۲: ۱۶۳). این ایالت میان دو رود دجله و زاب قرار داشته است و اربلا مهم‌ترین شهر آن به شمار می‌رفته است (برای اطلاعات بیشتر راجع به جغرافیای تاریخی آدیابنه نک. مورونی، ۱۹۸۲). از این بند چنین نتیجه می‌شود که ایالت بیت گرمی و شهر کرخا ذ بیت سلوک، در این زمان تابع فرمانروای آدیابنه به شمار می‌رفتند. این موضوع از طریق بررسی گل مهرهای به جای مانده از دوران ساسانی نیز قابل پیگیری است. از طریق این منابع ما با عنوان آمارگر گرمکان و نودشیرکان آشنا هستیم (گیزلن، ۲۰۰۷: ۱۳۲) که نشان از وابستگی اداری این دو ایالت به یکدیگر دارد. شرح وقایع و حوادث دوران شاپور دوم در ایالت آدیابنه در رویدادنگار اربلا محفوظ مانده است. در این رویداد نگار فردی به نام تهم شاپور موبد عامل آزار و اذیت مسیحیان معرفی شده است. با این وجود، اصالت مطالب درج شده در این رویدادنگار همواره باعث بحث و شک بوده است. پیگولوسکایا شرح خوبی در باره این وقایع‌نامه نگاشته است (پیگولوسکایا، ۱۹۶۴: ۱۹۹-۲۰۴). از سویی دیگر ما آدیابنه را حداقل از زمان شاپور اول به عنوان یک شاه‌نشین وابسته به دولت ساسانی می‌شناسیم. شاه آدیابنه با عنوان *MLKA nwhštšrkn* در کتیبه شاپور برکعبه زردشت در میان شاهان دست نشانده جایگاه نخست را دارد (ŠKZ, Parthian, line 24). از این‌روی عنوان *mlk' d hdyb* در متن شهادت نامه کاملاً معتبر می‌نماید.

<sup>۵</sup> - این نام در دستنویس واتیکان به شکل *ܒܗܬܗܨܥܝܬܐ* می‌آمده است و السّمعانی در ترجمه خود، آن را *Beth-hascita* ضبط کرده است (السّمعانی، ۱۷۴۸: ۹۹). برای توضیحات بیشتر در خصوص این نام نک به پیترز، دلپهاه (۱۹۲۵: ۴۱۷).

- [۲] شاپور<sup>۱</sup>، اسقف کرخا ذبیت سلوک، با درد و رنج در زندان مرد و پادشاه آدیابنه گفت: «سر او را ببرید و نزد من بیاورید تا بینم آن را». چرا که اطمینان نداشت به آنان. و سر او را بریدند و نزد او آوردند.
- [۳] اسحاق، اسقف کرخا ذبیت سلوک، به اجبار پادشاه آدیابنه، توسط نجیب زادگان بیت سلوک، که کریستیانانی خوانده می‌شدند<sup>۲</sup> در اقامتگاه نیکاتور<sup>۳</sup> سنگسار شد.
- [۴] اسحاق، کشیش روستای حولا سار، به دستور آذرگشنسب<sup>۴</sup> موبد<sup>۵</sup>، خارج از کرخا ذبیت سلوک سنگسار شد.
- [۵] پاپا، کشیش روستای حلمین، به دستور پادشاه آدیابنه در روستای جلال کشته شد.

<sup>۱</sup> Šābūr: šbwr - این نام در تمام نوشته‌های سریانی به همین صورت ضبط شده است. رجوع کنید به ژینیو و دیگران (۲۰۰۹: ۱۲۵-۱۲۶).

<sup>۲</sup> - برای درک بهتر این عبارت لازم است به تفاوت میان دو اصطلاح «کریستیان» و «نصرانی» توجه شود. این تفاوت تنها در ادبیات دینی سریانی دیده نمی‌شود، بلکه در کتیبه فارسی میانه کرتر بر کعبه زردشت نیز میان این دو فرق نهاده شده است. آنجا که کرتر در میان ادیانی که مورد پیگرد وی قرار گرفته اند از n'sr'y (نصرانی) و kryst'd'n (کریستیان) در کنار یکدیگر یاد می‌کند (ژینیو، ۱۹۸۹). فارغ از اختلافات عقیدتی که خارج از حوصله این مقاله است، باید یادآور شد که مسیحیان آرامی زبان خود را نصرانی می‌خواندند و این در مورد مسیحیان آرامی قلمروی دولت ساسانی نیز صادق است. به عنوان شاهی برای قضیه، علاوه بر کتیبه کرتر در نقش رستم، می‌توان به شهادتنامه سیمون بر صباعی اشاره کرد، که در آن سیمون «پیشوای نصرانیان» خوانده شده است: *ܘܨܚܘܢܐ ܕܡܫܝܚܐ ܕܢܨܪܝܐ* (AMS II, 136). از آن سو، ابهاماتی چند در مورد مصداق دقیق واژه کریستیان وجود دارد. همانگونه که راسل اشاره کرده است این واژه به شکلی عام در مورد مسیحیانی کاربرد داشته است که در برابر سنت‌های سامی نصرانیان، از طریق فرهنگ و زبان یونانی وارد دین مسیحیت شده بودند (راسل، ۱۹۹۱). دومناش (۲۰۶: ۱۹۴۵) و آسموسن (۱۹۸۳) به ارتباط میان کریستیانان و مرقیونیان اشاره کرده‌اند. همچنین این ارتباط توسط شهادتنامه سیمون بر صباعی نیز تأیید می‌شود: *ܘܨܚܘܢܐ ܕܡܫܝܚܐ ܕܢܨܪܝܐ ܕܡܪܩܝܘܢܐܐܝܢ* (AMS II, 164). باین وجود نمی‌توان با اطمینان گفت که در اینجا منظور از کریستیان‌ها دقیقاً مرقیونیان بوده است یا خیر؟

<sup>۳</sup> - Āwānā Niqātor تعیین مکان دقیق این محل امکان پذیر نیست، با این وجود موقعیت جغرافیایی این محل ظاهراً در سوی غربی یا جنوب غربی پایکولی و بر مسیر سلوکیه به شهر زور بوده است. پیش از این هنینگ به شکلی مفصل به بررسی این نام جای به واسطه کتیبه نرسی در پایکولی پرداخته است (هنینگ، ۱۹۵۲). نرسی در کتیبه خود در پایکولی شرح می‌دهد که چگونه نجیب آسورستان، گرمیکان و شهرزور در «اقامتگاه نیکاتور» (Hāyānī Nikatrā)، گرد آمدند تا او را ملاقات کنند (NP, MPers: Par.32). هنینگ به شباهت کلمه سریانی Āwānā (ܐܘܘܢܐ) با صورت فارسی باستان āwahana به معنای «اقامتگاه» اشاره می‌کند و آن را یک وام‌واژه ایرانی در زبان سریانی می‌داند (هنینگ، همان). جیان کالینی نیز در واژه‌نامه خود این کلمه را ذیل وام‌واژه‌های ایرانی رده‌بندی کرده است (جیان کالینی، ۲۰۰۸: ۱۰۱). همچنین هنینگ میان این محل با مکانی که در منابع سریانی تحت عنوان «بیت نیکاتور» از آن یاد شده است فرق نهاده است و آنها را معادل هم نمی‌داند. از بیت نیکاتور در رویداد نگار اربلا به عنوان یک اسقف نشین نام برده شده است (زاخانو، ۱۹۱۵: ۲). هنینگ بیت نیکاتور را نه نام یک شهر، بلکه نام یک ناحیه یا منطقه می‌داند که «اقامتگاه نیکاتور» مرکز آن بوده است. وی همچنین به شباهت نام بیت نیکاتور با محلی به نام بینکودرا (Binkudrah) در عراق امروزی اشاره می‌کند و این دو را معادل هم می‌داند (هنینگ، همان). اما در نهایت آنچه از متن این شهادتنامه مشخص است این است که این محل متعلق به قلمروی ایالت گرمیکان بوده است.

<sup>۴</sup> - Ādur-Gušnasp: 'drgwšnsp مقایسه شود با صورت پهلوی *twrgwšnsp*.

<sup>۵</sup> - *mwhpt'*: این عنوان در منابع سریانی به شکل رایج تر *mwhpt'* نیز آمده است (سوکولوف، ۲۰۰۹: ۷۲۲). مقایسه شود با صورت پهلوی *mgwpt* همچنین برای بررسی بیشتر این عنوان در منابع سریانی نگاه کنید به: پین اسمیت (۱۹۰۱: ۲۰۴۵).

[۶] اوهنام<sup>۱</sup>، راهبه جوان، به اجبار پادشاه آدیابنه، توسط زنان نجیبزاده<sup>۲</sup> کرخا ذیبت سلوک، که کریستیانی نامیده می‌شدند، در روستای گنزاک<sup>۳</sup> سنگسار شد. این شهید جوان از اهالی کرخا بود.

[۷] گشتازاد<sup>۴</sup>، خواجهای از کرخا ذیبت سلوک، حاجب پادشاه آدیابنه بود و در آنجا کشیش روستای سلوقنا به نام بهرام<sup>۵</sup> زندانی بود. هنگامی که بهرام به اجبار باور خود را انکار کرد و ایمانش سقوط کرد، پادشاه آدیابنه به او فرمان داد تا اگر گشتازاد خورشید را نپرستید و آنرا سجده نکرد، او را بکشد. و هنگامی که این بهرام نزد گشتازاد آمد تا او را بکشد، گشتازاد نیکبخت تعجب کرد و گفت: «ای کشیش، تو مرا خواهی کشت؟» و بعد سخن خود را اصلاح کرد و به او گفت: «من اشتباه کردم که تو را کشیش خواندم، چرا که تو بنده شهوت هستی و نمی‌توانی یک روحانی باشی. همانا که من می‌دانم همچون یهودا<sup>۶</sup> شیطان قلبت را فرا گرفته تا کارهای او را به انجام برسانی» و بی پروا او را کشت بدون شرمساری<sup>۷</sup>.

[۸] ساسان<sup>۸</sup>، یک فرد غیرروحانی، زروان<sup>۹</sup>، یک فرد غیرروحانی، نوح، یک فرد غیرروحانی و طیمی، یک یک فرد غیرروحانی، از شهر کوچک لاشوم<sup>۱۰</sup>، دستیگر شدند و با غل و زنجیر به بیت هوزایه<sup>۱۱</sup> فرستاده شدند، و در آنجا به خاطر اعتقاد راستین به عیسی مسیح به دستور شاپور شاه<sup>۱۲</sup> کشته شدند.

[۹] باعوئا، یک زن غیرروحانی از کرخا ذیبت سلوک، خارج از قلعه‌اش به دستور موبد آدرگشنسب کشته شد.

<sup>۱</sup> - پیترز این نام را به شکل ایرانی Vahūnām خوانده است (پیترز، دلپایه، ۱۹۲۵: ۴۲۷).

<sup>۲</sup> - gnzk: السمعانی این نام را به صورت gzk خوانده است (السمعانی، ۱۷۴۸: ۹۹).

<sup>۳</sup> - Guhišt-āzād: gwhšt'zd؛ این نام در منابع سریانی به صورت‌های gwšt'zd و gwšt'zd نیز دیده می‌شود. نک.

ژینیو و دیگران (۲۰۰۹: ۷۵).

<sup>۴</sup> - wrtrn: که صورتی نادر از ضبط این نام ایرانی در منابع سریانی است. در سایر آثار سریانی این نام عموماً به شکل wrhrn آورده شده است. نک. ژینیو و دیگران (۲۰۰۹: ۱۳۵).

<sup>۵</sup> - از حواریون عیسی مسیح، که به واسطه خیانت او مخفیگاه عیسی توسط رومیان شناسایی شد و بی آن عیسی به صلیب کشیده شد.

<sup>۶</sup> - پیگولوسکایا اعدام گشتازاد را از سایر یادداشت‌های این فهرست قدیمی‌تر می‌داند. برای توضیحات وی در خصوص شهادت این خواجه نک. پیگولوسکایا (۱۹۶۴: ۱۹۸).

<sup>۷</sup> - Sāsān: ssn؛ برابر با صورت پهلوی s's'n.

<sup>۸</sup> - Zār-vān: zrw'n؛ این نام در دیگر آثار سریانی به صورت‌های zhrwn و zyrwn نیز آمده است. نک: ژینیو و دیگران (۲۰۰۹: ۱۵۲). همچنین: وایزرن (۱۹۶۷: ۲۳۰). مقایسه شود با صورت پهلوی zrw'n (فرای، ۱۹۷۳: ۶۴) و zwrw'n.

<sup>۹</sup> - Lāšom، شهری در جنوب کرخا ذیبت سلوک و در نزدیکی داقوق. این شهر از قرن سیزدهم به جای کرخا ذیبت سلوک، مطران نشین بیت گرمی شد. برای جزئیات بیشتر درباره این شهر نک به: هوفمان (۱۸۸۰: ۲۷۴).

<sup>۱۰</sup> - byt hwzy؛ مقایسه شود با صورت پهلوی hwzstn. در بسیاری از شهادتنامه‌های مسیحیان عصر شاپور دوم، شاهد انتقال زندانیان مسیحی به خوزستان هستیم تا در حضور پادشاه محاکمه و اعدام شوند. بنابر این منابع، عمده این اعدام‌ها در شهرهای بیت لاپاط و کرخا ذیبت انجام شده است. فیه، اشاراتی از این دست در متون اعمال شهدای ایرانی را دست مایه پژوهش قرار داد و به بررسی اقامتگاه‌های سلطنتی پادشاهان ساسانی از طریق این منابع پرداخته است (فیه، ۱۹۹۵).

<sup>۱۱</sup> - šbwr mik؛ شاپوردوم ساسانی (۳۰۹ تا ۳۷۹ م.).



## منابع

- ابونا، ألبیر (۱۹۸۵). *کتاب الشهداء مشرق، بغداد*.
- پیگولوسکایا، نیناویکتورونا (۱۳۶۷) ۱۹۶۴، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت الله رضا، تهران.
- زرشناس، زهره و آناهیتا پرتوی (۱۳۸۹). *قصه‌هایی از سغد، تهران*.
- شبر، ادی ( ۱۹۰۰-۱۹۰۷) *سیره اشهر شهداء المشرق القدسين، موصل*.
- Assemani, S.E., Assemani, J.S. (1926). *Bibliothecae Apostolicae Vaticanae Codicum Manuscriptorum Catalogus in Tres Partes Distributus in Quarum Prima Orientales in Altera Graeci in Tertia Latini Italici Aliorumque Europaeorum Idiomatum Codices* vol.2-3, Paris.
- Assemani, S.E. (1748). *Acta Sanctorum Martyrum Orientalium et Occidentalium*, Rome.
- Assmusen, J.P. (1983). "Christian in Iran", *The Cambridge History of Iran* III.2 (reprt 2008), pp.924-948.
- Bedjan, P. (1890-97). *Acta Martyrum et Sanctorum* (7 vols), Paris and Leipzig.
- Braun, O. (1915). *Ausgewählte Akten-persischer Märtyrer. Mit einem Anhang: Ostsyrisches Mönchsleben*. (=Bibliothek der Kirchenväter; Band 22), Kempten.
- Brock, S. P. (1968). "Review: G. Wiessner, Untersuchungen zur syrischen Literatur geschichte. 1. Zur Märtyrer überlieferung aus der Christen verfolgung Schapurs II", *Journal of Theological Studies* 19, pp. 300-309.
- Brock, S. P. (1978). "A martyr at the Sasanid court under Vahran II: Candida", *Analecta Bollandiana* 96, pp. 167-81.
- Brock, S.P. (2008). *History of the Holy Mar Ma`in with a Guide to the Persian Martyr Acts*, New Jersey.
- Brock, S.P., Harvey, S.A. (1987). *Holy Women of the Syrian Orient*, Berkeley, Los Angeles, and London.
- Chabot, J.B. (1893). *La légende de Mar Bassus: martyr persan, suivie de l'histoire de la fondation de son convent à Apamee*, Paris.
- Chabot, J.B. (1897). "Histoire de Jésus-Sabranécrite par Jésus-Yab D'Adiabène", *Nouvelles archives des missions scientifiques et littéraires, choix de rapport et instructions* VII, pp. 485-584.

- Chabot, J.B. (1902). *Synodicon Orientale: Recueil De Synodes Nestoriens*, Paris.
- Ciancaglini, C. (2008). *Iranian Loanwords in Syriac*, Wiesbaden.
- de Menesh, P. j. (1945). *Škand-GumānīkVīčār, la solution décisive des doutes*, Fribourg.
- Delehaye, H. (1902). *Synaxarium Ecclesiae Constantinopolitanae, Propylaeum Ad Acta Sanctorum Novembris*, Bruxelles.
- Delehaye, H. (1905). *Les Aersions Crecques Des Actes Ded Mauiviis Persans Sous Sapor II*, Paris.
- Devos, P. (1953). "Le dossier hagiographique de S. Jacques l'Intercis", *Analecta Bollandiana* 71, pp. 157-210.
- Devos, P. (1965). "Abgarhagiographe perseméconnu (début du Ve siècle)", *Analecta Bollandiana* 83, pp. 303-328.
- Fiey, J. M. (1995). "Les résidences d'été des rois perses d'après les actessyriaques des Martyrs", *Parole de l'Orient* 20), pp. 325-336.
- Frye, R. (1973). *Sasanian Remains from Qasr-i Abu Nasr*, Massachusetts.
- Gignoux, Ph. (1989). "Le mage Kirdir et ses quatre inscriptions", *Comptes-rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres*, Vol 133, No 3, pp. 689 - 699.
- Gignoux, Ph., Jullien, Ch., Jullien, F. (2009). *Noms Propressyriaques d'origine iranienne, Iranisches Personen namen buch Band VII / Faszikel 5*, Wien.
- Gray, L. (1949). "Two Armenian Passions from the Sasanian Period", *Analecta Bollandiana* 67, pp. 306-376.
- Gyselen, R. (1989). *La géographie administrative de l'empire sassanide*, Res Orientales 1, Leuven.
- Gyselen, R. (2002). *Nouveaux matériaux pour la géographie historique de l'empire sassanide: sceaux administratifs de la collection Ahmad Saeedi*, Cahiers de Studia Iranica 24, leuven.
- Gyselen, R. (2007). *Sasanian Seals and Sealings in the A. Saeedi Collection*, Acta Iranica 44, Leuven.
- Hansen, O. (1954). *Berliner Sogdische Texte II : Bruchstücke der grossen Sammelhandschrift C 2*, Wiesbaden.
- Harrak, A. (2005). *The Acts of Mar Mari the Apostle*, Atlanta.
- Henning, W. B. (1952). "A Farewell to the Khagan of the Aq-Aqatārān", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*,

- University of London Studies Presented to Vladimir Minorsky by His Colleagues and Friends*, Vol. 14, No. 3, pp. 501-522.
- Higgins, M.J. (1951). "Aphraates Dates for Persian Persecution", *Byzantinische Zeitschrift* 44, pp. 265-271.
- Hoffmann, G. (1880). *Auszüge aus syrischen Aktenpersischer Märtyrer*, Leipzig.
- Javakhisvili, A., Von Harnack, A. (1901). "Das Martyrium des Heiligen Eustatius von Mzchetha", *SPAW* 38, pp. 875-902.
- Jullien, Ch. (2004). "Contribution des Actes des Martyrs perses à la géographie historique et à l'administration de l'empire sassanide", *Contributions à l'histoire et la géographie historique de l'empire sassanide (Res Orientales 16)*, pp 171-171.
- Jullien, Ch. (2004). "Peines et supplices dans les Actes des martyrs persans et droits sassanide", *Studia Iranica* 33, pp. 243 – 269.
- Jullien, Ch. (2011). "Martyrs in Persia in the hagiography Syro-Oriental : the turn of the sixth century", *Jews and Christians in Arabia. Perspectives on the sources (Research Center of History and Civilization of Byzantium Monographs 32. Massacre Najran II)*, pp. 279-290.
- Jullien, F. (2004). "Parcours à travers l'«Histoire d'Iso'sabran», martyr sous Khosrau II", *Contributions à l'histoire et la géographie historique de l'empire sassanide (Res Orientales 16)*, pp 171-190.
- Lieu, S. N.C. (1999). *Manichaeism in Mesopotamia and the Roman East*, Leiden.
- McCllum, A. (2013). *The Story of Mar Pinhas*, New Jersey.
- Morony, M. (1982). "Continuity and Change in the Administrative Geography of Late Sasanian and Early Islamical-'Irāq", *Iran* 20, pp. 1-49.
- Morony, M. (1989 a). "Bēt Selōk", *Encyclopædia Iranica*, Vol. IV, Fasc. 2, p. 188.
- Morony, M. (1989 b). "Bēt Garmē", *Encyclopædia Iranica*, Vol. IV, Fasc. 2, p. 187.
- Nöldeke, Th. (1879), *Geschichte der Perser und Araber zur Zeit der Sasaniden*, Leiden.
- Payne Smith, R. (1901), *Thesaurus Syriacus* (2 vol), London.

- Peeters, P. (1909). “Une Passion Armenienne des SS. Abdas, Hormisdas, Sahin, et Benjamin”, *Analecta Bollandiana* 28, pp. 399– 415.
- Peeters, P. (1910). *Bibliotheca Hagiographicaorientalis. Subsidiographica* 10, Brussels.
- Peeters, P. (1938). “La date du martyre de St.Simeon”, *Analecta Bollandiana* 56, pp. 130-131.
- Peeters, P. (1944). “Sainte Golinduch, martyreperse (m. 13.7.591)”, *Analecta Bollandiana* 62, pp. 74-125.
- Peeters, P., Delehay, H. (1925). “Acta Sanctorum, Novembris Collecta Digesta Illustrata”, Vol IV, Bruxellis.
- Russell, J.R. (1991). “Christianity In Pre-Islamic Persia: Literary Sources”, *Encyclopædia Iranica* Vol. V, Fasc. 5, pp. 523-528.
- Sachau, E. (1915). *Die Chronik Von Arbela*, *APAW* 6, Berlin.
- Sims-Williams, N. (1985). *The Christian Sogdian Manuscript C2*, *Schriften zur Geschichte und Kultur des Alten Orients*, Berliner Turfantexte 12, Berlin.
- Sims-Williams, N. Dickens, M. (2012). “Christian Calendrical Fragments from Turfan”, *Living the Lunar Calendar*, Oxford, pp. 269-296.
- Sokoloff, M. (2009). *A Syriac Lexicon, A Translation from the Latin, Correction, Expansion, and Update of C. Brockelmann’s Lexicon Syriacum*, New Jersey, Indiana.
- Sundermann, W. (1983). “Addā”, *Encyclopædia Iranica* Vol. I, Fasc. 5, pp. 451-452.
- Walker, J.Th. (2006). *The Legend of Mar Qardagh: Narrative and Christian Heroism in Late Antique Iraq*, Berkeley Los Angeles London.
- Wiessner, G. (1967). *Untersuchungen zur syrischen Literaturgeschichte. I. Zur Märtyrerüberlieferung aus der Christenverfolgung Schapurs II*, Göttingen.

سید ابراهیم

---